

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی

۲۶ نومبر ۲۰۱۳

یک ملک می گرید در آغوش مزارش

نه پشتون بودن نه هزاره نه تاجک نه ترک
طلای خالص و بی غش بودند از ملک
به خاین گویم تا کی زنی قمارچک و پوک
نمی دانی زیر لحاف است هنوز سر لک
شاعری وزن و بی ترازو

کسی که ایمیل فرستاده بود، من او را نمی شناسم و ضرورت ندارم وقتی خود را معرفی نکرده، کارپولیسی انجام دهم تا او را بشناسم. از نوشته او معلوم می شد که بیشتر از چهل و پنج سال قبل اتاقی که من در مقابل لیسه نادریه با زنده یاد اکرم یاری معلم ساینس لیسه نادریه، انورخان معلم کمیای نادریه، که از همشهری های من بود و سمیع جان قلندرمامای خانم هنگامه داشتیم، را به خاطر داشته و احتمالاً به آن اتاق آمده باشد. از طرز نوشته اش معلوم می شود شاید سری به آن اتاق زده همه را از نزدیک می شناخته چون اشخاص زیادی رفت و آمد داشتند از آن وقت سالها گذشته و سن من به ۷۷ سال رسیده فراموشی روز به روز دامن گیر حافظه من شده است.

من تاجانیکه به یادم دارم اسلم خان کوهستانی معلم تاریخ در لیسه نادری ، صدیق خان معلم هندسه لیسه نادریه ، لالی قندهاری معلم پشتوی لیسه نادریه که از قندهار بود بعدها به مرض اعصاب گرفتار شد، آصف جان پسر حاجی صاحب پغمانی که او هم بعدها به تکلیف اعصاب گرفتار شد، مستر عباد میدانی معلم انگلسی و دیگر دوستان در اتاق مامی آمدند می نشستیم. دیگر احزاب وجود نداشت حزب ویش زلمیان و حزب وطن نامرده دفن شده بود ببرک ، خیبر و محمدزهی، حسن شریق ، جلالر، آدم درمل ، شاه محمد دوست در جاسوسی سرزبان های کسانی که سرشان به تن شان می ارزید افتاده بود آن وقت از حزب دموکراتیک خلق و شعله و غیره احزاب چپ و راست خبری نبود دیگر جاسوسان حزب دموکراتیک خلق را کسی نمی شناخت بعدها که این ها یک حلقه جاسوسی ساختند تنها غبار می گفت که این حلقه خطرناک است دلیل هم ارائه نمی کرد

این مقدمه رابه خاطری نوشتم که بتوانم سؤال این دوست قدیم که بعد هاسر به کدام حزب زده من نمی دانم یا شاید سالها بی طرف مانده باشد و یا در یک سازمان انشعابی چپ مقدس شامل و هنوز هم غوره دل آن آب نگر دیده و یا از کارهای قلمی سایت های چپ نما که هویت شان هنوز روشن نیست و زیاد تر نوشته های شان اگر در قالب طنز بگویم میخکی است، دوست ایمل کننده از خواندن آن سایت ها که سر نام چپ و رهبران چپ تجارت خام می کنند رنج می برد خودش شاید از

طرف خابنن سگ تگان شده باشد، جرأت نکرده پاچه صاحب این قلم را در دهن سگان سفسطه نویس می دهد و یا امکان دارد من را تحریک کند تا سخن دل اورا عریان کنم. من را شاید تحریک کند یانکند من هم خیلی سالها شده که از طرز مبارزه چپ نماها خسته شده ام وهم وجدانم به من حکم می کند گذردریا رانا دیده از شهادت کاربگیرم ودل به دریای واقعیت نویسی بزنم.

از ایمیل وی معلوم می شود که هنوز احترام به چپ مقدس که یاری و یاری ها سنگ تهداب آن را با یاران صدیق شان گذاشتند به خاطر نجات ملیت های افغانستان با آغوش فراخ از هر ملیت به راه راست ، صداقت وطن دوستی وانسان دوستی زیر چتر وطن پرستی عاری از تعصب من وتوجع کردند، سر هر نوع اختلافات خط بطلان کشیدند.

جریان شعله راسلطنت ودستگاه های جاسوسی منطقه به کمک روس وامپریالیست نگذاشت که به پختگی برسد جریان شعله در مقابل باد تند توطئه وتوطئه گران غوره تکان شد تنها چیزی که به رهبران چپ مقدس ماند نام نیک تاریخی که با افتخار در راه وطن انسان وانسانیت جان دادند

امروز کسانی که می خواهند به شکل تفرقه اندازی کیک پوستین یکی از رهبران زندیاه دشعله جاوید خود را بسازد و دیگر رهبران شعله جاوید را زخم قلم بزند قبل از همه مثلی که من خود را سالها معرفی کرده ام وبه نام ونشان خود نوشته ام او هم از زیر چادری مستعار نویسی برآید اگر تفرقه بین پیروان رهبران چپ مقدس شعله جاوید خلق می کنند که از آب گل آلود سیاست ماهی سه متره بگیرد این حق را به آنها می دهم که ابراز نظر در قسمت شخصیت های نیک نام وطن نمایند نر و ماده سازند وخود را به چپ مقدس پیوند بزنند در غیر آن از نشر عکس های مردان تاریخ معاصر افغانستان رهبران چپ مقدس شعله جاوید جدا خود داری نمایند که کار دبه استخوان رسیده است.

بعضی از این گنده خشتکان می گویند که در غرب به خاطر یکه اقارب مادر کابل زندگی می کند ما زیر چادری مستعار نویسی قلم کش می کنیم مگر من وامثال من خویش واقارب در افغانستان نداریم، از زیر پتله خلق شدیم ویا اقارب ما از مس زنگ پُرساخته شده واقارب آقا زاده های اشرافی که در زیر چادری مستعار نویسی می نویسند از طلای خالص ناب ساخته شده اند؟؟؟

این یک دروغ است کسانی که امروز از طریق فیسبوک با جاسوسان حزب دموکراتیک خلق، شاه وشاه پرستان ، داوود و داوود پرستان ، مجاهد وطالب در تماس مخفی ویا علنی هستند و با کشتنند ها و محقق عکس یادگاری می گیرند به دستور آنها عناصر پاک و یاران صدیق رهبران چپ مقدس را چکش کاری قلمی نامردانه می کنند.

شناختی که از جریان مقدس چپ دارم به جرئت می گویم که اختلاف سلیقه نی در یک خانواده هم وجود داشته ولی اختلافی که خط قرمز جدائی را بین رهبران چپ مقدس کشیده باشد هیچ نوع اسناد موجود نیست و یک خط از آن زنده یادان باقی نمانده تنها چند سطر احساساتی در قالب ادب وادبیات به خط زنده یادانجیر عثمان و یاران صدیق انجیر عثمان مانده که آن چند سطر هم نمی تواند خط قرمز جدائی بین رهبران چپ مقدس زنده یادان رهبران آتشین شعله جاوید ابدی شود و هر کدام بعد از این نوشته بون اینکه ابراز ناخوردگی کنند ایمان به دیموکراسی داشتند بدون قطع روابط ، طعنه ومارک زدن هر کدام شان شرافت مندانه تاروزیکه به کشتارگاه های چپ وراست برده شدند از شخصیت یک دیگر دفاع کردند بعد از محو ونابود ساختن آنها یک تعداد اشخاص بزدل در دام دستگاه های جاسوسی افتادند و تا امروز تو و من می کنند اگر در بین سازمانهای انشعابی شعله جاوید بعدها مشکلی رخ داده باشد مردانه وار بنشینند، آن مشکل را حل کنند باوجودی که من و آقای موسوی که در ساما مبارزه کرده مگر من یک روز هم در آن سازمان مبارزه نکرده ام و شناختی که از خابنن حزب دموکراتیک خلق واخوان داشتم می دانستم که جاسوسان و خابنن به هر شکل و لباس داخل احزاب انشعابی شعله جاوید نامردانه شده اند مبارزه کردن در این سازمان ها دشوار است مثلاً من آقای موسوی را از سالهای می شناسم که زیر چتر مقدس رهبری شعله جاوید مبارزه می کرد اتهام همانی است که پیروان خلق وحزب دموکراتیک خلق

و پیروان حزب وحدت اسلامی علیه آقای موسوی می زدند یعنی «آوانتوریسم»، «ماجراجوئی»، «کافر و دین زدا» و حالا نشخوردن چپ نماهام شده من از آقای موسوی شناخت دارم که از ایام جوانی گفته بین مرد و نامرد قدمی فاصله دارد و این همان قدمی است که بین او دشمنانش فاصله به وجود آورده است. من انسان مستقل بودم و هستم چپ و راست افغانستان اگر بگویند یا نگویند مرا می شناسند چون من واقعیت ها را می نویسم جرأت جواب دادن هم ندارند و بارها هم گفته ام تاستعار نویس را نشناسم و نام حقیقی آن را افشاکرده نتوانم جواب نمی نویسم. موسوی در طول تاریخ مبارزات معاصر افغانستان در سیاست دیروز و امروز مرد مطرح بوده و فردا هم تاریخ فرزندان واقعی خود را فراموش نمی کند وی قلم توانا، منطق قوی و با فهم لازم و اسناد تاریخی بدست دارد، به کمک قلم ناتوان من و دیگران ضرورت ندارد کچه نویسان این حرفها را از دماغ خود دورکنند که من و دیگران که در جمله شاگردان استاد موسوی و استاد خالق داد پغمانی حساب نمی شویم چطور او از ما در زدن دشمن کمک می گیرد و یا به نام مستعار می نویسد. کسی که در طول مبارزات انسانی و شریفانه خود یک خط عقب نشینی نکرده و سابقه خیانت ندارد چرا به نام مستعار نوشته کند و از کس دیگر کمک بخواهد. نه روباهی در سایت افغانستان آزاد است و نه مادم روباه، همه مردمان مستقل با آیدیای خود پایند، نویسنده آزاد می باشند بنام خود می نویسیم به هر نوع سوال جواب می گوئیم. اگر محفلی از چپ نماها در افغانستان و در خارج افغانستان حتی در ممالک بادران شان حاضر به یک امتحان شوند ماباهویت خود حاضر و پاسخ گومی باشیم کسی که پاک است از محاسبه پاک ندارد. سبک نوشته من سبک ساده نویسی و کردگی خاص خودم را دارد این نوع مارک زدن ها طفلانه و کار خاین و بی عقل است و هم با اتهام نمی تواند کسی مارا از هم جداسازد خیالست و محالست جنون.

همان طوری که رهبران چپ مقدس از ملیت پرستی نفرت داشت ماهم نفرت داریم و ابراز نفرت می کنیم و از منطقه و منطقه پرستی و در کدام دین و مذهب هستی نفرت داریم صرف نظر که به ملیت ها، مذاهب و ادیان هر انسان احترام داریم و منطقه راجای بودباش می دانیم و نزدماقدسیت ندارد با هر رنگی که انسان است در نزد ما انسان است سیاه، سفید و زرد نزد ما مردود است همه رایه صفت انسان می شناسیم اما انسان خوب و بد را تشخیص می دهیم چنانچه که چپ واقعی را از چپ نماها جدایی سازیم سالها رهبران چپ و راست بامن تماس نزدیک داشتند در یک محیط زندگی می کردیم مرده و زنده داشتیم حتی مشکلی به یکی رخ می داد احوال گیری می کردیم. بدبختانه سردار محمد داوود بدبخت به دستور روس با ساختن حزب دموکراتیک خلق که آغازگر سه و نیم دهه جنگ می باشد بین ملت افغانستان ده به ده شهر به شرکوچه به کوچه از دست رذالت سلطنت بین ملت افغانستان خط فاصل کشیده شد حالاحرف به جایی کشیده که باشرف و وطن پرست با وطن پرست برود، بی شرف و بی وجدان باقماش ارذال خود برود و این خط قرمز سالها طول می کشد تا نسل آینده این نواقص را با پاکي و صداقت رفع کنند و این فاصله که بین ما ایجاد شده ما از رذالت جاسوسان منطقه و دولت های دست نشانده پند بگیرند در یک فضای انسانی زندگی انسانی را با وطن پرستی و انسان دوستی ادامه دهند ولی ما نمی توانیم با خاینین شناخته شده وطن ما و منطقه کنار بیائیم اگر سالها هم در غربت بمانیم این که بزرگان گفته اند خون به خون نشوید در قسمت کسانی صدق می کند که طرفین مرتکب اشتباه شوند اما شاه داوود حزب دموکراتیک، مجاهد طالب و کزری آگاهانه ملیت های افغانستان را به دستور بادران شان کشتندمانمی توانیم که خون به آب بشویم اگر از دست ما چیزی نمی آید فاصله با خاینین بگیریم و فاصله بین مرد و نامرد موجود باشد با یک خط قرمز درشت پُر رنگ

نه پشتون بودندنه هزاره نه تاجک نه ترک

گلاب تازه و خوشبو بودن در چمن یک ملک

شاعری وزن و بی ترازو

آقایی که ایمیل کرده نوشته من سایت هارامی بینم و می خوانم که عکس یکی یا دوتا از رهبران جان باختة شعله در آن سایت دیده می شود و از نشرات شان معلوم می شود که میراث مبارزاتی آن زندیاد به گردانندگان سایت باقی مانده و این

کودنان نادان وجاسوس که از نام چپ مقدس انقلابی های وطن پرست سوء استفاده از نام صادق وصادقها، دادگرودادگرها، انجنیر وانجنیرها، محمودی ومحمودی ها، عین علی وعین علی ها، بهمن وبهمن ها، مجید و مجیدها فیض وفیض ها یاد می کند.

اگر شما در خط این مردان بزرگ مبارزه می کنید این ها کدام اسناد قلمی علیه یک دیگر نوشته نکردند و سندی به شما و دشمن ندادند وامروز حدس های آگاهانه وغیر آگاهانه شمآب در آسیاب دشمن سرازیری می کند و آنها در زندان های بی رحم روس ، حزب دموکراتیک خلق واخوان یاران صدیق وپیروان بالیمان خود را قلمداد نمودند تا در زیر شکنجه ها قاتلین ملت افغانستان جان دادندروان شان شاد. در اینجا بلافاصله باید افزود، آنها هیچ یک از این رذالتها را انجام ندادند، زیرا با خود طرف بودند، وقتی کسانی اینک پیدا می شود، و در زیر چتر دفاع از یکی، بر دیگران اعم از مرده و یا زنده می تازند، خود عمل نشان می دهد که مجری چنان عملی نه تنها کمترین بوئی از مناسبات آن رهبران بزرگ نبرده، بلکه در عمل مخالف و دشمن آنها نیز می باشند.

چنین اشخاصی که از دوره گردان جریان انشعابی شعله جاوید هستند مانندگدای سیاسی دروازه دوست ودشمن را دق الباب می کنند. سخنم به صورت مستقیم با اینهاچنین است:

اگر به خدا و آیدیای خود و به راه گذشتگان تان ایمان دارید یاندارید از دشمنان تاریخی چپ مقدس واز نام رهبران چپ مقدس بشرمید حزب دموکراتیک خلق که سرعکس رهبران خود مانند شورای نظارسر عکس مسعود تجارت سیاسی می کنند شما سرعکس زنده یادان رهبران شعله و رهبران احزاب انشعابی آن تجارت سیاسی نکنید که روزبه روزگند و کثافت تان برون از آب کثیف سیاسی تان می شود و مردان مبارز و پیروان صدیق جریان شعله جاوید واحزاب انشعابی اورا نیش قلم نزنید ما و شما یکدیگر را از نزدیگ می شناسیم طرز خرام خودراتغییرندهید که باقلم طرز خرام تان را افشاء می کنم کشمش تاریخ زندگی من که دم ندارد خالص است بی هراس چادری قلمی ترا پاره می سازم و اگر خاینان به خاطر خوشی دستگاه های جاسوسی منطقه و به خاطر خوشی دشمنان تاریخی رهبران شعله جاوید زیر چادری یک سایت بدنام وتاریخ زده اتهام می بندی تاکسانی راتحریک کنی که در نوشته خوددیگر رهبران چپ مقدس را توهین کند این رذالتی بیش نیست وارث این مردان تاریخ میراث پاک ، خالص وبی غش تمام ملیت های افغانستان بوده نام شان گرامی، یادشان افتخار و روان شان شادباداً

نکن برنام چپ نامرد تو پستی

که شم شیراست دردست هستی

برودیوانه دست بردار ازسرما

نمانی گیر تو درچنگال مستی

شاعربی وزن وبی ترازو

نوت : سرلک یک ضرب المثل است که شوخ هاچیزدیگر تعبیربخاطربی عفتی قلم نکنند و اگر می کنند بکنند یک ضرب المثل دیگر است امورمملکت خویش خسروان داند دیوانه ومستی هم یک ضرب المثل است که میگویند دیوانه بروکه مست آمد